



سندیکایی را تحت کنترل و "مدیریت" خود درآورد. از دیگر سو با انجام حرکت نفوذی و به موازات آن پیگرد و دستگیری کارگران پیشرو و مبارزان سندیکایی تلاش می‌ورزد مانع از پیوند اعتراض‌ها به یکدیگر و شکل‌گیری جنبش سندیکایی موثر و واقعی شود. بازداشت‌های هدفمند، پخش

ادامه در صفحه ۴

اعتصاب حق کارگران است؛ به پیگرد و بازداشت فعالان سندیکایی پایان دهید!

هم‌زمان با گسترش اعتراض‌های کارگری در چهار گوشه کشور رژیم ولایت فقیه برای مهار، کنترل و سرکوب این جنبش و ممانعت از ارتقاء سطح مبارزاتی آن، دست به تدوین و اجرای برنامه‌های چندوجهی زده‌است. رژیم از سویی با توسل به تشکل‌های زرد حکومتی می‌کوشد اعتراض‌های کارگری به‌ویژه علیه خصوصی‌سازی و دستیابی به مطالبات فوری مانند افزایش و ترمیم دستمزد، لغو قراردادهای موقت و حق برپایی سازمان



شماره ۱۶، ۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۷



خصوصی‌سازی رژیم و شریعتمداری در مقطع کنونی گفت، "فروش سرمایه کارگران نباید معادل تاراج شود." فقط چهار روز بعد از آغاز بکار به عنوان وزیر کار، روز ۹ آبان، شریعتمداری با حضور در سازمان تأمین اجتماعی و در جلسه شورای معاونین این سازمان با تهدید گفت، "باید شستا و همه فعالیت‌های اقتصادی متعلق به سازمان تأمین اجتماعی را به‌گونه‌ای هدایت کنیم که تنها در موارد خاص و بسیار ضروری بنگاه‌داری کنیم و اصل بر این باشد که مدیریت بنگاه‌ها را واگذار کنیم... هرکس نمی‌تواند کنار بیاید، همین امروز کنار برود... رئیس جمهور محترم یک تصمیم راهبردی گرفته... اگر در راه واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، غفلتی صورت گیرد، مدیران مصونیت دارند؛ او حتی افزود، "البته بعضی (به عنوان یک نظر) حتی می‌گویند باید کالا این سازمان را خصوصی کنیم." در رابطه با خصوصی‌سازی شرکت‌های شستا و در بیانیه خود در روز ۳ بهمن، با اعلام اینکه "بر این باوریم که کارگران اینگونه مجموعه‌ها بی‌کار خواهند شد"، شکل ضدکارگری "اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری" نیز صرفاً خواستار "مطالعه و التزام استمرار کار" کارگران در زمان خصوصی‌سازی شد. به عبارت دیگر، در تاراج اموال کارگران وزیر کار وعده "مصونیت" به مدیران می‌دهد؛ و با وصف **ادامه در صفحه ۲**

وزیر کار؛ موضوع شفاف سازی شستا و بیمه‌های تکمیلی

علاوه بر تحمیل هزینه‌های "۲۹" طرح به سازمان تأمین اجتماعی در دیگر دولت‌های رژیم، روحانی با تحمیل نزدیک به ۸۰ درصد هزینه‌های به اصطلاح "طرح تحول نظام سلامت" به سازمان و واریز منابع درمان آن به خزانه‌داری دولت در لایحه بودجه ۹۷. ضربات مهلکی به اندوخته کارگران در تأمین اجتماعی وارد کرده است. به‌رغم این دستبردها اخیراً روحانی گفته است، "زمانی وقتی مشکلی داشتیم به سمت صندوق‌ها می‌رفتیم. آن روزها صندوق بازنشستگی [تأمین اجتماعی] آنقدر پول و ذخیره مالی داشت که به دولت کمک می‌کرد." در حالیکه تقریباً اکثر صندوق‌های بازنشستگی زحمتکشان ورشکسته شده‌اند، و برای پرداخت مستمری بازنشستگان، تأمین اجتماعی مجبور به دریافت وام با نرخ بهره‌های کلانی است، رژیم ولایت فقیه هدف خصوصی‌سازی باقیمانده بنگاه‌های تولیدی کارگران در "شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا)" را نیز دارد. محمد شریعتمداری، وزیر کار جدید، مهرة قابل اعتماد ولی فقیه و دستگاه امنیتی رژیم از زمان ری شهری، برای پیش‌برد این سیاست‌ها در این سمت قرار گرفته است؛ و فعالیت‌های اقتصادی را در "اتاق شیشه‌ای" به پیش می‌برد. وزیر کار پیشین علی ربیعی که همیشه بر خصوصی‌سازی اموال کارگران در تأمین اجتماعی تأکید می‌کرد، روز ۱۲ دی‌ماه در مورد روش

پیش به سوی مبارزه متحد برای افزایش دستمزدها

در حالی که در پایان سال قبل کارگروه مزد شورای عالی کار حداقل مبلغ سید معیشت خانوار کارگری را "۲ میلیون و ۶۶۱ هزار" تومان محاسبه کرده بود، بعد از افزایش سرسام‌آور نرخ ارز در ماه‌های اول سال جاری، روز دوم دی‌ماه، رئیس همان کارگروه مبلغ سید معیشت خانوار را "۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان" اعلام کرد. بخش قابل توجهی از کارگران کشورمان ماه‌ها دستمزد معوقه دارند؛ و مطابق گفته معاون دبیرکل خانه کارگر، ۷۶ درصد کارگران "حداقل بگیر هستند." یعنی ۷۶ درصد کارگران در صورتیکه مزد خود را دریافت کنند، ماهیانه یک میلیون و ۱۱۶ هزار تومان درآمد دارند. بر اساس گزارش ۲ بهمن ای‌نا، "نزدیک به ۱۰ میلیون نفر کارگر غیررسمی بدون پوشش بیمه‌ای در کشور داریم؛ و در رژیمی که دستگاه امنیتی آن در تمام عرصه‌های زندگی زحمتکشان دخالت می‌کند، بخشی از این کارگران حتی "حدود یک سوم حداقل دستمزد" را دریافت می‌کنند. در رابطه با شرایط اسفبار معیشتی زحمتکشان، روز ۱۰ دی‌ماه، ای‌نا نوشت، "تقریباً ۹۰ درصد از مزدبگیران، چه در دولت و چه در بخش‌های خصوصی، زیر خط فقر به سر می‌برند... [و] سیزده میلیون خانوار کارگری کشور زیر «خط

ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

ادامه پیش به سوی مبارزه مشترک ...

فقر مطلق «به سر می‌برند. در یک چنین شرایطی و در حالیکه رسانه‌های رژیم سهم دستمزد در قیمت تمام شده تولید را "۳ درصد" اعلام کرده‌اند، در یورش جدید به ماده ۴۱ قانون کار و معیشت زحمتکشان و همچنین برای تحمیل یک حالت تدافعی به جنبش اعتراضی کارگران، کارگزاران رژیم چپ‌ولگر ولایت فقیه تعیین مزد کارگران به صورت "توافقی" را به عنوان پویه "تجات" تولید و "اشغال" ارائه می‌دهند.

در مقطع کنونی و درحالی‌که قانون کار روی پرداخت دستمزد بالاتر از حداقل مزد ماهیانه یک میلیون ۱۱۶ هزار تومان تأکید دارد، در روز روشن و با وجود اداره‌های کار، با "دایر نمودن کارگاه‌های غیرقانونی"، بعضی موسسات به اصطلاح "خبریه" و سرمایه‌داری انگلی در دستگاه حاکمه رژیم، به زنان "سرپرست خانوار" ماهیانه فقط ۴۰۰ هزار تومان دستمزد پرداخت می‌کنند. مطابق گزارش‌های ۲ و ۳ بهمن اینا، هدف این موسسات "خبریه"، "حذف حداقل مزد" و ماده ۴۱ قانون کار است. این موسسات "خبریه"، به کارگران "زن برای روزی ۸ تا ده ساعت کار روزانه، ماهیانه ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان دستمزد پرداخت می‌کنند. یکی از این موسسات "خبریه"، قانون کار را دلیل عمده "بیکاری" می‌داند و صراحتاً اعلام می‌کند که با پرداخت "سیصد هزار تومان" در ماه و با "انتخاب کارگر"، توانسته است "برای ۱۰۰۰ نفر شغل ایجاد کند." در حالیکه کارگزاران رژیم خط فقر را "۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان" اعلام می‌کنند، برای پرداخت مزد سیصد هزار تومانی، موسسات "خبریه" رژیم ولایتی هدف حذف "حداقل دستمزد" و ماده ۴۱ قانون کار برای بهره‌کشی سبانه از هم‌نوع خود را دارند.

بعد از افزایش لگام گسیخته نرخ ارز و کاهش شدید قدرت خرید زحمتکشان، رهبران تشکل‌های مزد حکومتی بارها خواستار برگزاری جلسه شورای عالی کار برای "ترمیم دستمزد" ۹۷ کارگران شدند. این رهبران بارها وزیر کار و سرپرست پیشین وزارت کار را تهدید به اعتراض کردند. به‌عنوان نمونه، روز ۳۰ مهر اینا از بیانیه مشترک "تشکل‌های عالی کارگری" و "مسیر گام به گام اعتراض" این تشکل‌های مزد خبر داد، و یکی از رهبران آنها به اینا گفت، "اقدامات اعتراضی را به سرعت در دستور کار قرار خواهیم داد." روز ۱ آبان‌ماه سال جاری، محمد شریعتمداری در سمت کاندید وزیر کار با حضور در خبرگزاری کار ایران وعده داد: "در صورتی که در مسند کار بنشیند... جلسه شورای عالی کار برای ترمیم دستمزد را سریعاً تشکیل دهد." وزیر کار جدید نیز جلسات شورای عالی کار برای "ترمیم دستمزد" را تشکیل نداد و خبری از "مسیر گام به گام اعتراض" رهبران تشکل‌های مزد نشد. کارگزاران رژیم و شریعتمداری وعده ارائه "سید جبرانی معیشت خانوار" ۲۰۰ هزار تومانی در سه نوبت قبل از پایان سال را دادند. در حالیکه نزدیک به ۱۴ میلیون کارگر بیمه شده و ۱۰ میلیون نفر کارگر غیررسمی در کشورمان وجود دارد، روز ۲ بهمن اینا از "پایان واریز مبلغ بسته حمایتی به حساب ۶ میلیون و ۱۵۰ هزار نفر از بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی" و عدم ارائه اعتبار بیشتر از سوی سازمان برنامه و بودجه خبر داد. افزایش ۲۰ هزار تومانی "حق مسکن کارگران" در سال ۹۳، اواخر سال ۹۵ توسط هیات وزیران تصویب شد؛ به جای "ترمیم دستمزد" و برای فریب کارگران، روز ۱۹ دی‌ماه خبرگزاری مهر از تصویب افزایش حق مسکن کارگران از ۴۰ هزار تومان به ۱۰۰ هزار تومان توسط شورای عالی کار گزارش داد که بار دیگر با تصویب هیات وزیران اجرایی خواهد شد.

در حالی‌که به اصطلاح موسسات "خبریه" رژیم ماهیانه فقط ۴۰۰ هزار تومان دستمزد به زنان سرپرست خانوار پرداخت می‌کنند، و روز ۸ بهمن، در "شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی"، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس از کم شدن "۳/۵ میلیارد دلار از ارزش‌های کشور" و عدم شناسایی "۳۰ هزار میلیارد تومان از منابع مالیاتی کشور" خبر می‌دهد، همان روز رئیس هیات مدیره انون عالی شوراهای اسلامی کار می‌گوید، "تعیین دستمزد، یک مساله صد درصد «اقتصادی» است... لذا نگاه سیاسی و احساسی نباید به این موضوع داشت."

با مبارزه برای تشکیل سندیکاهایی مستقل با ماهیت طبقاتی و مبارزه‌ای پیگیر و متحد، باید به یورش رژیم ولایتی و موسسات "خبریه" آن به حقوق کار و معیشت کارگران و نقش ویرانگر تشکل‌های مزد حکومتی پایان داد.

ادامه وزیر کار ...

اینکه به بیکار شدن کارگران "باور" دارند، رهبران تشکل‌های مزد با خصوصی‌سازی اموال کارگران مشکلی ندارند و صرفاً خواستار وعده‌ای برای "استمرار کار" کارگران دارند.

بر اساس گزارش ۲۵ تیرماه ۹۷ اینا، سازمان تأمین اجتماعی "در چندین نوبت با سود ۳۵ درصد از بانک وام گرفته است؛ مثلاً آخرین بار ۳۱ هزار میلیارد تومان وام گرفت تا ۶۰ درصد از آن را برای پرداخت مستمری‌ها اختصاص دهد." در چنین شرایطی و در حالی‌که کارشناسان بدهی دولت به تأمین اجتماعی را نزدیک به ۲۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌کنند، قبل از ارائه بودجه ۹۸ به مجلس شریعتمداری بدهی دولت به تأمین اجتماعی را "۸۰ هزار میلیارد تومان" اعلام کرد، اما روز ۲ بهمن، او "بدهی واقعی دولت به تأمین اجتماعی [را] ۱۵۰ هزار میلیارد تومان" عنوان کرد. با همراهی کامل یا سازمان برنامه و بودجه، روز ۲۴ دی‌ماه سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه ۹۸ مجلس نیز "بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی را ۶۹ هزار میلیارد تومان اعلام نمود." با افزایش سرسام‌آور قیمت ارز در ۹ ماه اخیر، ارزش ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی دولت به تأمین اجتماعی عملاً به یک‌سوم ارزش یک سال پیش آن کاهش یافته است. با این وصف، در شرایط بحرانی تأمین اجتماعی و در حالیکه رژیم خود را متعهد به "بازپرداخت بدهی‌های موسسات مالی و اعتباری مجاز و غیرمجاز" می‌داندست و هزاران میلیارد تومان از منابع ملی را صرف جبران فساد حاکم بر این موسسات کرده است. روز ۲ بهمن، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس گفت، "مجلس مبلغ ۵۰ هزار میلیارد تومان در بودجه ۹۷ برای پرداخت بدهی دولت به تأمین اجتماعی تعیین کرد که تاکنون حتی یک ریال آن هم به این سازمان پرداخت نشده است."

روز ۲۷ آذر خود شریعتمداری گفت، "بیش از ۷۵ درصد مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی زیر یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دریافتی دارند؛ و روز ۱۴ تیرماه ۹۷، بر اساس تصمیم شورای عالی بیمه سلامت، "۷۹ قلم کالای دارویی از پوشش بیمه تأمین اجتماعی خارج" شد. با این وصف، روز ۳ بهمن در "هشتمین اردوی تفریحی، سیاحتی و آموزشی اعضای هیات مدیره کانون‌های بازنشسته و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی" در جزیره کیش، معاون دبیرکل تشکل ضدکارگری "خانه کارگر" بر "ضرورت اصلاحات پارامتریک در صندوق بازنشستگی سازمان تأمین اجتماعی تأکید کرد؛ و سرپرست سازمان تأمین اجتماعی محمدحسن زاد، "اصلاحات پارامتریک" را به عنوان افزایش "سن بازنشستگی به ۷۰ سال"، و افزایش بیمه پردازی به "۴۰ سال" به "جای ۳۰ سال" توصیف کرد. در قطنامه پایانی "اردو" از تشدید "وضع نگران‌کننده نوع برخورد مراکز درمانی خصوصی با دفترچه‌های درمانی بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی طی ماه‌های اخیر به بهانه تعویق پرداخت سازمان به این مراکز" سخن گفتند و از "افزایش و سرایت این وضع به مراکز درمانی- تشخیصی و دارویی" دیگر هشدار دادند. علاوه بر پرداخت مستمری‌های زیر "خط فقر مطلق"، حذف ۷۹ قلم کالای دارویی از پوشش بیمه‌ای، و افزایش سن بازنشستگی، به عنوان دیگر راه‌کار "تجات" صندوق‌های بازنشستگی، رژیم چپ‌ولگر ولایتی افزایش ظالمانه میزان پرداختی "بیمه تکمیلی" را بر گزیده است.

در ماه‌های اخیر شاهد برگزاری اعتراضات گسترده بازنشستگان در شهرهای مختلف کشور، صدور بیانیه‌های مشترک بازنشستگان، و پیشبرد یک کارزار علیه سیاست‌های ظالمانه رژیم و "بیمه تکمیلی" بوده‌ایم. به عنوان نمونه، متوقف کردن "روند خصوصی‌سازی"، همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و افزایش حقوق شاغلان و بازنشستگان به بالاتر از حد خط فقر، "پاسخ صادقانه و عملی به کمپین اعتراضی ده‌ها هزار نفر از فرهنگیان نسبت به بیمه‌های ناکارآمد"، و... در اولویت گذاشتن خواسته‌های "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" بود. به رغم وعده‌های مکرر کارگزاران رژیم مبنی بر همسان‌سازی حقوق بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی در سال‌های ۹۷ و ۹۸، بار دیگر روز ۸ بهمن‌ماه اینا نوشت، "در قانون بودجه [سال ۹۸]، اعتباری برای همسان‌سازی بازنشستگان تأمین اجتماعی در نظر گرفته نشده است."

بعد از سه دهه تاراج اندوخته‌های کارگران در سازمان تأمین اجتماعی، اکنون رژیم تأمین اجتماعی را نیز به مرز ورشکستگی کشانده است، و هنوز هدف خصوصی‌سازی باقیمانده اموال کارگران در سازمان را دارد. با اتحاد و مبارزه‌ای سازمان یافته علیه غارتگران، باید از فاجعه‌ی ورشکستگی کامل تأمین اجتماعی جلوگیری کرد.



بودن آن تغییری نمی‌دهد. در فراکافت نهایی، نه زنان و نه مردان وقت ارزشمند در زندگی خود را صرف کاری که نه شوق برانگیز و نه مولد است نباید به‌هم‌دند. همگانی کردن کار خانه مانند فراهم کردن غذا و نگهداری از فرزندان به‌معنی پایان دادن به سلطه اقتصاد مبتنی بر سودوری است. تنها گام‌های اساسی برای پایان دادن به برده‌داری خانگی در حقیقت از سوی کشورهای سوسیالیستی موجود برداشته شده است. کارگران زن بدین ترتیب سود ویژه و تعیین‌کننده‌ای در پیکار برای سوسیالیسم نصب‌شان می‌شود. اما سوسیالیست‌های دیگر چنین استدلال می‌کنند که کار خانگی در سرشت خود نه‌تنها تحقیرکننده نیست، بلکه فعالیتی معقول و حتی خوشایند هم است. این گفتمان دارای پیشینه‌ای طولانی است. در آرمان‌شهر علمی-تخیلی سوسیالیستی بسیار تأثیرگذار در اثر ادوارد بلامی با نام: "نگاه به گذشته در سال ۲۰۰۰" منتشرشده در سال ۱۸۸۸، این چشم‌انداز آنجلا دیویس از آینده نقش بسته است.

در این کتاب، قهرمان داستان به‌خواب می‌رود و یک سده بعد در شهر بوستون ایالت ماساچوست در ایالات‌متحده چشم می‌گشاید و دنیای دگرگون‌شده‌ای را در برابر خود می‌بیند. ایالات‌متحده سوسیالیستی اغلب کارهای خانه را تعاونی کرده (یعنی مردم در آشپزخانه‌های همگانی غذا را صرف می‌کنند)، خرید انتخابی فرآورده‌ها از راه دور انجام می‌گیرد و کم‌وبیش بی‌درنگ به مقصد رسانده می‌شوند (هنوز نزدیک به یک‌صد سال مانده تا اینترنت پیدا شود). صنعت خودکار شده و هر میزان ناچیزی از کار کم‌ارزش (همانند کار خانه) که باقی‌مانده است از سوی "ارزش صنعتی" کارگران در طی ساعات کم و با حقوق بالا انجام می‌گیرد. اما ویلیام موریس، هنرمند، طراح، کارآفرین و نویسنده کمونیست، نظر بلامی را چنان هولناک یافت که به تصویر آرمان‌شهر خودش دست زد.

او در کتابی به‌نام "اخبار از هیچ‌کجا"، در سال ۱۸۹۰ بریتانیای سوسیالیستی را به‌تصویر کشید که کار مزدوری، پول و ازدواج را لغو کرده است. کار خانگی همچنان باقی‌مانده، اما گران‌قدر شده (همان‌گونه که دیگر فرآورده‌های دست‌ساز ارزیابی می‌شوند) و به‌دست زنان و انتخاب خودشان انجام می‌گیرد: "زنان کارهایی را انجام می‌دهند که بیشترین توانایی را در آن و بیشتر از بقیه دوست دارند" مانند خدمت‌گزاری در دادن خوراک به مردان! ماهیت کار خانه در طول زمان تغییر یافته است که در تمامیت خود بازتاب‌دهنده روندهای فنی و اجتماعی در جامعه است. بسیاری از پیشه‌ها که در گذشته در قلمرو کار خانه بودند (مانند ساختن شمع و نان) اکنون از دایره کار خانگی خارج شده و برخی از کارهای روزمره (مانند شستن لباس) که در گذشته حداقل تا حدودی همگانی شده بودند دوباره به درون خانه بازگشته‌اند. این‌ها زمینه‌هایی بارور و غنی برای بررسی و پژوهش هستند، زیرا از نقطه‌نظر تاریخی شکل‌گیری دیدگاه‌های مارکسیست‌های نخستین را در اختیار ما می‌گذارند. بیشتر مارکسیست‌ها امروزه - چه مرد و چه زن - شاید فراکافت‌های بلامی و موریس را درباره کار خانه به‌چالش بکشند. بینش موریس امروز در برخی از واکافت‌های شبه‌علمی زیست‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی تکاملی دیده می‌شود که کار خانگی از پیشینیان بسیار دور در زن‌نویسی نوشته شده است. از نظر منطقی دیدگاه بلامی که کار خانه را در گوهر خود پست می‌یابد از دیدگاه‌های همانند در میان برخی صاحبان حرفه با حقوق بالا (و حتی برخی کنشگران سوسیالیست) که می‌گویند وقتی برای کار خانه ندارند یا حقوق بالا به آنان اجازه می‌دهد یا وامی دارد که انجام برخی از این کارهای ناچیز را به دیگران محول کنند، چندان دور نیست. هیچ‌کدام از این استدلال‌ها پذیرفتنی نیست.

شاید امروز جاقفاده‌ترین دیدگاه در میان مارکسیست‌ها این باشد که هرکس که توانایی‌اش را دارد باید ریخت‌وپاش خود را خودش جمع و جور کند و همه، چه فردی و چه دسته‌جمعی، همراه با دیگر ساکنان خانه، "سهام عادلانه‌ای" از کار خانه را به‌عهده بگیرد.

مارکسیست‌ها درباره کار خانه چه فکر می‌کنند؟

سوسیالیست‌ها درباره کار خانگی نظرهای گوناگون در میان گذاشته‌اند که بیشتر آن‌ها از سوی زنان انجام گرفته است. بنیاد مطالعاتی "کتابخانه یادبود مارکس" در لندن برخی از این نظریه‌ها را بررسی می‌کند. سخنی واهی نیست اگر گفته شود برخی مارکسیست‌ها درباره این موضوع به‌هیچ‌وجه نمی‌اندیشند و برخی هم که می‌اندیشند بر این باور هستند که گفت‌وگوی جدی در این باره ضروری نیست. اما در واقع هست! خود مارکس کار خانه را ضرورتی ناخوشایند می‌پنداشت و در جایی می‌گوید این کاری "کم‌اهمیت، کسل‌کننده و کم‌ارزش" است. بنابراین گفته می‌توان حدس زد که خود او چندان درگیر آن نبوده است. انگلس استدلال می‌کند که در جامعه‌های نخستین، تقسیم کار بر اساس جنسیت در سرشت خود ستمگرانه نبود. ستم جنسیتی بر زنان با پیدایش خانواده هسته‌ای و هم‌زمان با نمود مالکیت خصوصی و جامعه طبقاتی پدید آمد. این ستم در وضعیت تسلط سرمایه‌داری بر جامعه با رشد کار دستمزدی تشدید گردید.

انگلس بیان کرد که "همان عاملی که در گذشته موجب برتری پیشین زن در خانه شده بود یعنی محدود بودن او به کار خانگی، اکنون همان عامل برتری مرد را در خانه تضمین می‌کند: کار خانگی زن در هم‌سنجی با کار مرد در کسب نیازمندی‌های اساسی زندگی اهمیت خود را از دست داد؛ دومی همه‌چیز بود، اولی یک کمک ناچیز. بدین ترتیب می‌بینیم که شکست تاریخی جنس زن در اینجا نهفته است."

فراکافت انگلس از سوی مارکسیست‌های دیگر از جمله جیمز کانلی، جمهوری‌خواه سوسیالیست ایرلندی، پی گرفته شد که استدلال می‌کرد اگر کارگر مرد برده جامعه سرمایه‌داری است، کارگر زن و زن خانه‌دار دو برابر او مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرد، "برده آن برده" است.

بی‌درنگ پس از انقلاب بلشویکی، الکساندرا کولانتای و نادژدا کروپسکایا (همسر لینن) به پژوهشی مفصل به‌منظور تدوین بینشی انقلابی برای زنان دست زدند که بر پایه مبانی برابری و "زوال خانواده" بنا شده بود. آنان دریافتند در نظام سرمایه‌داری هر خانواده سنتی به عاملی برای آزار و ستم درمی‌آید: "سرمایه‌داری بر دوش زن باری نهاده است که او را خرد می‌کند: سرمایه‌داری او را به کارگر دستمزدی واداشته است بدون آنکه از بار کار خانگی و وظیفه‌های مادری بکاهد."

عکس‌ها، پوسترها و شعارهای دیواری و تبلیغاتی نخستین حکومت شوروی زنان را در حالی نشان می‌دهد که از سختی کار خانگی به‌وسیله رفقای (زن) کارگر صنعتی، کشاورزی و نیروهای مسلح "رها" شده‌اند. در همان زمان در بریتانیای پس از جنگ جهانی اول، زنان پس از ازدواج در بسیاری از حرفه‌ها از جمله تدریس و گرفتن شغل دولتی استخدام نشده و به‌قصد باز کردن جا برای سربازان مردی که از جنگ بازمی‌گشتند به برگشتن به خانه و کار خانگی وادار می‌شدند. در آگهی‌هایی تبلیغاتی با گنجاندن این پیام که جای زن در آشپزخانه است این اندیشه را تقویت می‌کردند. همین فرایند پس از جنگ جهانی دوم نیز رخ داد.

جنبش "دستمزد برای کار خانه" در دهه ۱۹۷۰ در کارزار مبارزاتی خود برای نشان دادن اینکه کار خانگی و نگهداری و پرورش کودکان شالوده تمام بهره‌کشی سرمایه‌داری از کار دستمزدی است و از این‌رویی باید از نظر مالی جبران گردد، از ادبیات مارکسیستی بهره می‌برد. استدلال این جنبش این بود که کار خانگی همراه ضروری و اجتناب‌ناپذیر کار دستمزدی است و از این جهت به ارزش تولیدشده از سوی کار دستمزدی می‌افزاید. و بدین ترتیب باید بابت آن مزد پرداخت شود. پیچیدگی این امر در این است که زن خانه‌دار با نیروی کار خود، هرچقدر هم که حیاتی باشد، به‌طور مستقیم ارزش اضافی تولید نمی‌کند یا آن را در هیچ بازاری نمی‌فروشد. افزون بر آن، درخواست دستمزد برای کار خانه وظیفه‌های اساسی نگهداری جسمی و خانگی را باز هم بیشتر پولی و کالایی کرده و آن‌ها را به‌طور رسمی وارد مدار مناسبات مبادله در نظام سرمایه‌داری می‌کند. بسیاری از هواداران جنبش زنان به این دلیل که درخواست دریافت مزد برای کار خانه به‌منزله دست کشیدن هم زن و هم مرد از سهم‌شان در نفاقت خانه و نگهداری از فرزند و پدر است، با آن به تقویت کوشش تبلیغ‌کنندگان و رسانه‌ها برای پذیراندن زنان برای ماندن در خانه است، با آن به‌مقابله برخاستند. لیزا تاتل در دانش‌نامه فیمینسم چنین نوشته است: "پرداخت دستمزد به زنان برای نگهداری از فرزند، خانه و شوهر به ماندگاری همان سنت‌ها و پیش‌داوری‌هایی که زنان را در خانه نگه می‌دارد می‌انجامد."

بدر آن، چنین اقدامی آن کارزارهای اجتماعی را که در جهت فراهم ساختن مهدکودک و دیگر تسهیلات همگانی که به زنان و مردان اجازه می‌دهد تا به‌طور کامل در پویایی اقتصادی و اجتماعی شرکت کنند سست و کم‌بهره می‌کند. آنجلا دیویس، کنشگر کمونیست آمریکایی، در مخالفت با تعریفی که از کار خانگی می‌شود چنین می‌گوید: "این تعریف چنان است که زنان را طبقه ویژه‌ای از کارگران استثمارشده در نظام سرمایه‌داری به‌نام "زن خانه‌دار" طبقه‌بندی می‌کند." در ادامه می‌گوید: "اگرچه بیشتر زنان به پدیده "مرد خانه‌دار" با گشاده‌رویی خوشامد می‌گویند، اما غیرجنسی کردن کار خانه در حقیقت در ماهیت توان‌فرسا و بیدادگرانه

دستمزد مطلوب و نیز برابری دستمزد زن و مرد، بهداشت و ایمنی محیط کار، تامین نیروی انسانی کافی، تراکم کاری، امنیت شغلی، کاهش استخدام های موقت، پرداخت برای همه ساعات کاری، و تامین شرایط بهتر کار و زندگی کارگران پست سر باز زد.

شرکت پست با کش دادن مذاکرات، امیدوار بود که دولت با تصویب قانون برگشت به کار بتواند قدرت چانه زنی اتحادیه کارکنان شرکت پست را کاهش دهد. اما این رویه ناشی از سوءنیت کارفرما بوده و این درکانادا امری غیر قانونی می باشد. و این رفتار نامناسب کارفرما مبنی بر عدم مذاکره کارکنان پست را به اعتصاب وادار کرد.

شرکت پست و دولت کانادا مسئول این ۵ هفته اعتصاب چرخشی بوده و نیز دلیل وجود روابط ضعیف و نامناسب فی مابین کارگران و آنان می باشند.

محافظه کاران طراح خصوصی سازی دفاتر پستی و نیز مشوق مدیرعامل پست کانادا مبنی بر رفتار تند در جریان مذاکرات ۲۰۱۱ با کارکنان بودند که منجر به اعتصاب گردید. و این همان سیاستی است که حالا دولت لیبرال در پیش گرفته؟ کارگران و عموم مردم حق دارند که این را بدانند.

شرکت پست که یک شرکت دولتی بوده باید نقش یک نمونه موفق در چانه زنی های دستجمعی با کارکنان خود را داشته باشد. در عوض تبدیل به یک نمونه با سوءنیت گردید، که این اعمال اول با حمایت محافظه کاران بوده و حالا توسط لیبرال ها حمایت می شود.

دولت لیبرال مدعی است که این قانون برگشت به کار خدمت به منافع عموم مردم می باشد. ولی در واقع تضمین سود بیشتر شرکت پست بخصوص در این فصل خرید و فروش بزرگ که از ۲۳ نوامبر شروع می گردد، می باشد. در این مورد تفاوتی بین قانون برگشت به کار دولت محافظه کار هارپر در ۲۰۱۱ و این قانون که توسط لیبرال ها ارائه شده وجود ندارد. هر دوی آنان در پی سود شرکت های بزرگ و ثروتمند می باشند.

برگرفته از سایت حزب کمونیست کانادا، 1 آذرماه 1397
<http://communist-party.ca/statement/2953>

ادامه اعتصاب حق کارگران...

سربال های مشمئزکننده اعترافات، شناسایی کارگران آگاه در مراکز صنعتی و تهدید و تلمیح آنها، ایجاد تقابل و تفرقه در صف های اعتصاب، رواج برخی شعارهای انحرافی و نامنطبق با ظرفیت امروز جنبش کارگری از زمره این مجموعه برنامه های رژیم و نهادهای امنیتی هستند. طی روزهای اخیر برخورد با فعالین کارگری و شماری از فعالان صنفی فرهنگیان و بازداشت آنها و بیشتر برخورد با کارگران فولادآهواز و نیشکر هفت تپه نمونه های مشخص اجرای چنین برنامه هایی به شمار می آیند. برای آنکه این توطئه ها را خنثی و زمینه عینی و ذهنی تداوم حرکت جنبش سندیکایی را امکان پذیر نمود، اتحاد عمل فراگیر و پرهیز از هرگونه اقدام تفرقه افکنانه در مبارزات جاری یعنی اعتصاب ها، تحصن ها، گردهمایی ها و تجمع های اعتراضی اولویت محسوب می شوند. به علاوه باید با استفاده از همه امکانات در راستای افشای سیاست سرکوب و فریب رژیم خستگی ناپذیر فعالیت کنیم.

خواست آزادی کارگران در بند، توقف پیگرد مبارزان سندیکایی، حق تشکیل یابی و حق اعتصاب از موارد اصلی مورد توجه کارگران آگاه محسوب می گردند. مطابق منشور حقوق سندیکایی و مقاله نامه های سازمان جهانی کار، اعتصاب حق سیاسی کارگران است و هیچ کارگری را نمی توان به دلیل سازماندهی یا حضور در اعتصاب و مبارزه سندیکایی محکوم، بازداشت، زندان و یا از کار اخراج نمود.

کارگران در بند را آزاد کنید!
به سرکوب و پیگرد مبارزان سندیکایی پایان دهید!

مبارزه کارگران پست کانادا علیه خصوصی سازی و برای تامین امنیت شغلی

انتقال قدرت به جامعه آری!
 تحویل قدرت به بخش خصوصی نه!

همبستگی با کارگران پست کانادا با شروع اعتصابات چرخشی اتحادیه کارکنان شرکت پست

کانادا در سراسر کشور، آنان به حمایت وسیع از طرف سایر اتحادیه ها و عموم مردم بیش از پیش نیاز دارند. این حمایت می تواند با شرکت در تظاهرات خیابانی اعتصابیون- که سریعترین روش برای تشویق اعضای سی- پی- یو- دلیومی باشد - باشد و با این عمل نشان داده خواهد شد که آنان در این مبارزه علیه مدیریت این شرکت به اصطلاح تحت نظارت دولت فدرال تنها نمی باشند.

این مقابله بسیار بیشتر از یک اختلاف بین یک سندیکای کارگری مبارز و یک کارفرماست که منجر به اعطای امتیاز گردد. خواست های اتحادیه کارکنان پست تأثیرات وسیعی روی همه کارگران در کانادا و هزاران محله هایی که بطور وسیعی به سرویس های پستی دولتی وابسته اند را دارد. اتحادیه کارکنان پست برای برابری واقعی در محیط کاری مبارزه می کنند، و نه فقط با لفاظی های پوچی که جاستین ترودو نخست وزیر کانادا و وزیران کابینه اش در مورد برابری شغلی افاضه می کنند. این یعنی اینکه به کارکنان توزیع کننده محموله های پستی در مناطق دورافتاده و اطراف شهرها باید که از شرایط پرداختی یکسانی بهره مند باشند. این یعنی اینکه برای اضافه کاریشان مزد واقعی پرداخت گردد- درخواستی که از سال ۲۰۱۸ مطرح است.

اتحادیه همچنین تأکید بر بازتعریف نقش بخش عمومی در اقتصاد، عقب راندن سیاستمداران نئولیبرال و خبرگزاری های انحصارات، که مدعی هستند تمامی خدمات و سرویس های دولت باید به بخش خصوصی واگذار گردد، را دارد. اتحادیه در مبارزات «تحویل قدرت به جامعه» که یک استراتژی ارزنده ای برای پیروزی زحمتکشان بوده و نیز آنان دریابند که بانکداری و دیگر خدمات می تواند و باید توسط بخش عمومی انجام گیرد و نه برای حصول سود شرکت های بزرگ. بله باید به خیابان ها آمد و از تظاهرات اعتصابی کارکنان پست حمایت کرد! و درعین حال نباید فراموش کرد که هم زمان از خواست های وسیع سندیکاها بطریق بیابنه و نامه به مدیران مطبوعاتی، طومار جمع کردن، پست کردن حمایت در دنیای مجازی و سایر تاکتیک ها باید نیز استفاده نمود.

ترجمه از «صدای مردم «ارگان حزب کمونیست کانادا، 8 آبان ماه 1397
<http://peoplesvoice.ca/2018/10/30/solidarity-with-postal-workers-2/>

لایحه قانون بازگشت به کار؛ نقض حق اعتصاب کارگران است!

قانون بازگشت به کار به این معنی است که کارگران از حق اعتصاب محروم یا حق اعتصاب آنها محدود شده و باید با پایان دادن به اعتصاب مطابق خواست دولت و کارفرما به سر کار بازگردند.

حزب کمونیست کانادا از دولت فدرال کانادا خواست که لایحه قانونی بازگشت به کار کارگران اعتصابی شرکت پست کانادا را پس بگیرد و از تصویب سریع آن جلوگیری نماید، چرا که دولت از آن بر علیه اتحادیه کارگران پست کانادا استفاده خواهد نمود.

اتحادیه را مجبور به شروع اعتصاب نمود، چرا که کارفرما از مذاکرات پرداخت



لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
 2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
<http://www.tudehpartyiran.org>
 آدرس های اینترنت و "ای-میل" E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۱۶
 Nameh Mardom - Workers Supplement No. 16

4 February 2019

شماره فاکس و تلفن
 پیام گیر ما

004930
 23629727

